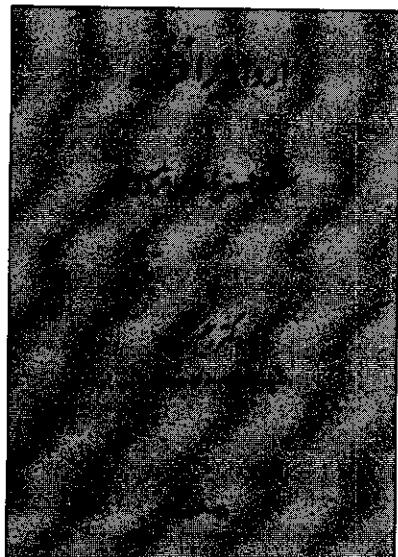


اردا ویراف نامه

○ مصطفی دهقان



۹

سرنوشت و بیان کار انسان‌ها، از دوران بسیار کهن، اندیشه بشر را به خود مشغول داشته و در آثار اکثر ادبیان جهان به اشکال مختلفی بروز کرده است. ادبیات ایران نیز مستثنی نبوده و یکی از این مجموعه‌ها، یعنی سیروسفر اردا ویراف مقدس را حدود هزار سال قل از به وجود آمدن کمدم الهی دانته در کتاب اردا ویرافنامه، متجلی کرده است. اردا ویرافنامه که از نوشتۀ‌های پهلوی دوران ساسانی است، داستان اردا ویراف مرد پاک و پرهیزگاری است که پیشوایان و موبدان دین زردشتی او را برگزیدند که سیری در جهان دیگر کند و از روان و سرگذشت در گشتنگان اطلاع حاصل کند. او که به گفته موبدان در تمام عمرش گناهی نکرده به حکم قرعه^۱ برای این سفر انتخاب می‌شود و پس از شستن سر و تن و پوشیدن جامه تو و خوردن خورش، بر پستربی پاک آرمیده و سه جام منگ گشتناسی^۲ می‌نوشد و به خواب می‌رود و به مدت هفت شبانه روز به همراه دو فرشته^۳ از طبقات بهشت و دوزخ دیدن می‌کند. نیکوکاران و گناهکاران را می‌نگرد و از سرنوشت اعمال آنها آگاه می‌شود. بعد از این به پیشگاه اورمزد پذیرفته می‌شود و در روز غفتم به این جهان باز می‌گردد و از دیری فرزانه می‌خواهد تا مشاهداتش را بنویسد. و این چنین است که اردا ویرافنامه شکل می‌گیرد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۸۱۶ توسط پوب (Pope, A., L.) خاورشناس انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت. در این سال او ترجمة اردا ویرافنامه را با عنوان ذیل در لندن منتشر کرد:

The Arda Viraf Nameh , or the Revelations
of Arda Viraf , translated from the persian and
Guzeratee Versions . London ۱۸۱۶.

هرچند تحقیق فوق در شناساییدن اردا ویرافنامه به اروپائیان نقش قابل ملاحظه‌ای داشته اماً باید اذعان داشت که کتاب هوگ (M. Haug) و وست (E, W, West) نقش بیشتری در این زمینه ایفا کرده است. هوگ و وست تو تن از مستشرقان نسل گذشته‌اند که در زمینه اردا ویرافنامه و متون پهلوی، تحقیقات وسیعی انجام داده‌اند. این دو به دستیاری تعدادی از دانشمندان پارسی اکثر نسخ بازمانده از متون پهلوی را از صورت خطی خارج کردند و به زیور چاپ با ترجمه و شرح آراسته کردند.

در سال ۱۸۷۲ این دو به همراه هوشنج چی جاماسب آسا (H, Jamaspji Asa) (H) مجموعه‌ای را در دو جلد منتشر کردند که سال‌ها، منبعی موقق در زمینه تحقیقات مربوط به اردا ویرافنامه قرار گرفت و تحقیقات بعد از خود را تحت تأثیر قرار داد جلد اول آن شامل متن پهلوی اردا ویرافنامه و گشت فریانو^۴ (Gosht i Fryano) به عنوان متن ضمیمه اول و هلاخت نسک به عنوان متن ضمیمه دوم به همراه ترجمه انگلیسی آنها می‌باشد. این جلد در سال ۱۸۷۲ با مخصوصات زیر منتشر شد:

The book of Arda Viraf. The Pahlavi text
prepared by Destur Hoshangji Jamaspji Asa,
revised and collated with further mss, with
an english translation and introduction, and
an appendix containing the texts and
translations of the Gosht i Fryano
Hadokht Nask by Martin Haug, assisted by
E. W. West, Bombay, ۱۸۷۲

در این اثر چندین نسخه با هم مقابله شده است. سه نسخه از آنها متعلق به هوگ و دو نسخه متعلق به «کتابخانه دانشگاه کینه‌اک» و یکی متعلق به «کتابخانه لندن» و سه نسخه نیز متعلق به زرتشیان بوده است.

جلد دوم این مجموعه نیز دو سال بعد در سال ۱۸۷۴ با مشخصات زیر منتشر شد:

Glossary and Index of the Pahlavi texts of
the book of Arda Viraf, the tale of Gosht-i
Fryano, the Hadokht Nask, and the some
entracts from the Dinkard and Nirangistan,
prepared from Destur H. Jamaspji Asa's
to the Arda Viraf Namak and from

Glossary

the original texts, with notes on Pahlavi
by E. W. West, revised by Martin

Grammar,

Haug, Bombay London M.Y.

این مجلد شامل واژه‌های پهلوی اراده‌بر افتمه، گشت فریانو،
هادخت نسک و چند متن پهلوی دیگر می‌باشد. این واژتمنامه،
واژه‌های پهلوی را عیناً به خط پهلوی به همراه آوانویسی ^۰ آنها به
لاتین اورده است. همچنین به مباحث ریشه‌شناسی ^۱ بیز می‌پردازد.
و دیگر اینکه در این مجلد سوانی نسخه‌های پیشین، از ترجمه‌های
آنکه مانند کتابخانه ملی ایران، خالی نباشد ^۲.

گفتاری که در ذیل می‌اید به بررسی جلد اول این مجموعه بنابر
چال مجدد آن به سال ۱۹۷۱ که در آمستردام هلند صورت گرفته
خواهد پرداخت:

این کتاب با پیشگفتاری از هوگ شروع می‌شود. او در این پیشگفتار به چگونگی آماده شدن نسخه‌های ارداویرافنامه و همراهی هوشمنگ جی جاماسب آسا در تهیه و آماده کردن این نسخه‌ها پرداخته است. بعد از این پیشگفتار، مقدمه‌ای مفصل توسط هوگ و وست تحریر شده که مشتمل بر چهار بخش اصلی است. بخش نخست به توضیح کاملی از نسخه‌های ارداویرافنامه و شروح و نوشته‌های پازند، گجراتی و سانسکریت و به ویژه آنها که در متن این کتاب بیشتر مورد نظر بوده‌اند پرداخته است. سپس خلاصه‌ای از داستان برگزیده شدن ارداویرافه توسط موبدان زردشتی جهت سیر در جهان دیگر و آگاهی از سرگذشت روان مردگان و دیدار او از طبقات بیشتر و دوزخ آمده

ست. در انتها نیز اشاره‌ای به ترجمه انگلیسی پوپ از رداویرافنامه شده و چند شرح و ترجمه دیگر از رداویرافنامه نیز که توسط دانشمندان پارسی صورت گرفته، بررسی شده است.

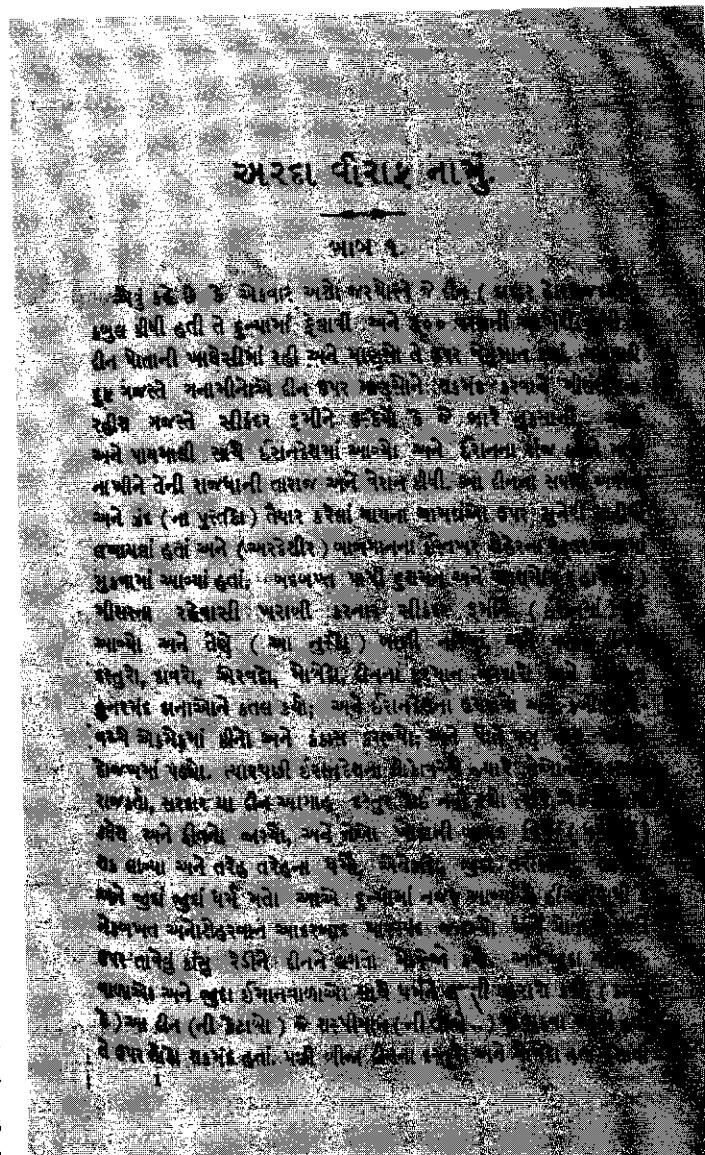
در بخش دوم مقدمه، ابتدا مشکلات نوشتاري زبان پهلوی چه در کتبه های ساساني و چه در متون های مانده بيان می شود. سپس به خصوصيات اولیه^۱ صامت ها^۲ و مصوت ها^۳ و الفبای پهلوی اشاره شده و بعد از آن به توضیح در مورد هزووارش ها^۴ و چگونگی وارد شدن آنها به زبان های ايراني برداخته شده است.^۵

بخش سوم مقدمه، به محتويات ارداویرافنامه اختصاص یافته است. اين بخش ابتدا به مقایسه رداویرافنامه با کتب مشابهی چون کمدی الهی دانه و آثار ادبیات مسیحی و دیگران می پردازد و سپس به محتوای صد و یک فرگرد (بخش)، کتاب اشاره می کند.

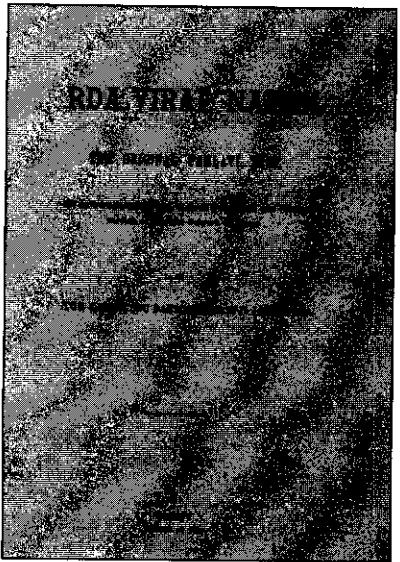
بخش چهارم، گفatar مختصری پیرامون داستان گشت فربیانو است. این داستان در مورد دانایی است که سی و سه معمای اخت / حادیگر اهریمن /، باسیخ مر. دهدز او، آبه نالعده، مر. کشاذب

بعد از این مقدمه، طی دو بیوست کوتاه بخش آغازین متن پازند و سانسکریت و همچنین متن فارسی سخنی که چهت مقابله مورد استفاده بوده‌اند، آمده است. متن پازند و سانسکریت تنها شامل آتوپویسی لاتین تنها می‌شود و متن فارسی به الفبای فارسی ضبط شده است. پس از این، متن اصلی ارداویرافانمه به همراه آتوپویسی آن، بخش عمده کتاب را در بر می‌گیرد و بعد از آن ترجمه انگلیسی متن و یادداشت‌های هوگ مده است.

داستان «گشت فریانو» به همراه آوانویسی و ترجمه آن بخش بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. از آنجا به متن این داستان در تعدادی از نسخه‌ها به متن ارد اوپیرافنمه اضافه شده است، وست و هوگ نیز با توجه



صفحه اول از متن ترجمه گجراتی اردو بیرافنامه، منقول
در کتاب «جاماسب آسا»



به مراجعته به نسخ متعدد، این داستان را به عنوان ضمیمه اول به متن ارداویرافنامه اضافه کردند. در انتها نیز متن «هادخت نسک» به همراه آواتویسی و ترجمه انگلیسی آن به عنوان ضمیمه دوم به چاپ رسیده است. فرگرد تاخته هادخت نسک در مورد ارزش و اهمیت دعای اشم و هو (AshamVahu) است. در فرگرد دوم از سرنوشت روان پرهیزکار و در فرگرد سوم از سرنوشت روان گناهکار پس از مرگ، سخن می‌رود. «ظاهراً به دلیل نزدیکی موضوع هادخت نسک با ارداویرافنامه بوده است، که آن را به متن اضافه کردند.

ارداویرافنامه هوگ و وست، نخستین کاری است که با در دسترس قرار دادن بخش عمده‌ای از نسخ به جای مانده از آن تهیه شده است و همین موضوع، اهمیت کتاب حاضر را به عنوان یکی از کهن‌ترین تحقیقاتی که در شکل‌گیری آثار بعد از خود نیز نقش داشته افزایش می‌دهد. البته باید در نظر داشت که با توجه به دور شدن از مقطع این تحقیق و نشر آثار و نظریات جدید برخی از یادداشت‌های کتاب امروزه چنان مورد قبول نیست.

از دیگر تحقیقات نسبتاً قدیمی انجام شده می‌توان به اثر باولتمی (M. A. Barthelemy) خاورشناس فرانسوی اشاره کرد که در سال ۱۸۸۷ با مشخصات زیر منتشر شد: *Viraf Namak: ou ۱۸۸۷ Livre d'Arda Viraf par M. A. Barthelemy, Paris Arta*

این کتاب در واقع ترجمه فرانسوی ارداویرافنامه، و به ترتیب شامل مقدمه، ترجمه و تفسیر است. باولتمی در مقدمه، موضوع کتاب و سوابق تاریخی آن را به طور خلاصه بیان داشته است. پس از مقدمه، ترجمه متن ارداویرافنامه و سپس شرحی برای فهم بهتر قسمتهای مختلف کتاب آورده است.

دستور کیخسرو و دستور جاماسب جی جاماسب آسا نیز، در سال ۱۹۰۲ ویرایش دیگری از ارداویرافنامه را به چاپ رسانندند:

*Arda Viraf Nameh (the original Pahlavi text
with an Introduction, Notes, Gujarati
translation, and persian version of
ZartoshtBehram in verse) by Jamasp Asa, k.,
Bombay, ۱۹۰۲*

ناشرین این نسخه از ارداویرافنامه هوگ و وست و ترجمه انگلیسی پوب و ترجمه فرانسه باولتمی و ترجمه گجراتی و همچنین نسخه فارسی بهرام پژو^۱ استفاده کردند.

در اینجا شایسته است تا در ادامه، اشاره‌ای نیز به پژوهش‌های متأخر درباره ارداویرافنامه که هم دسترسی به آنها آسان‌تر است و هم با مذکور قرار دادن تحقیقات و نتایج علمی جدیدتر تهیه شده‌اند داشته باشیم: ابتدا باید از پژوهشی که دکتر وحیم عفیفی با عنوان ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسني انجام داده نام برد. این اثر نخستین بار در مشهد و به سال ۱۳۴۲ به چاپ رسیده و چاپ دوم آن نیز توسط «انتشارات توسع»، در سال ۱۳۷۲ عرضه شده است.^۲

این کتاب به چهار بخش عمده تقسیم می‌شود که به ترتیب عبارتند از: پیشگفتار، ترجمه فارسی، متن پهلوی و واژه نامه.

پیشگفتار خود به چند بخش جداگانه تقسیم می‌شود. اینها مطالبی در باب نام ارداویراف و اشتقاق آن آمده است^۳ و مطالب بعدی به ترتیب به شخصیت ارداویراف زمان زندگی او و زمان تأثیف ارداویرافنامه، ارزش و اهمیت ارداویرافنامه، منابع کتاب و ترجمه ارداویرافنامه به زبان‌های مختلف می‌پردازد. بخش بعدی به ترجمه متن پهلوی ارداویرافنامه به فارسی اختصاص دارد. در ترجمه متن پهلوی به فارسی نکاتی رعایت شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱ اگر واژه‌ای برابر فارسی نداشته باشد، همان واژه در متن گذاشته شده و در زیر نویس، توضیح آن آمده است.

۲ بسیاری از اصطلاحات آئین زرده‌شده که در متن آمده به صورت زیرنویس شرح شده‌اند.

۳ برخی از واژه‌ها که خاص اهریمن و موجودات وابسته به اوست با عنوان «اهریمنی» مشخص شده‌اند^۴

۴ برخی از واژه‌ها برای درک بهتر خواننده، توسط مترجم افزووده شده است. این واژه‌ها در داخل علامت [] قرار گرفته‌اند.

در بخش بعدی، متن پهلوی ارداویرافنامه آمده است. متن پهلوی که در این کتاب آمده از روی نسخه دستور کیخسرو و دستور جاماسب آسا نقل شده است. دکتر عفیفی، متن ارداویرافنامه هوگ و وست و ترجمه باولتمی و یک نسخه گجراتی را مذکور قرار داده و با دو نسخه عکسی متعلق به دانشگاه کنههای K ۲۰، K ۲۶ مقابله نموده است و مواد ضروری را در زیرنویس صفحات توضیح داده است.

بخش بعدی واژه نامه است که حدود ۱۴۰۰ واژه را در بر می‌گیرد. در این واژه نامه نخست هر واژه با نویسه خطی "بیت شده است و سپس حرف به حرف با الفبای فارسی قرائت شده و در برابر آن معنای واژه آمده است. از آنجاکه خط فارسی قدرت نمایاندن تمامی مصوت‌ها را ندارد و سلسله‌ای قادر به تلفظ دقیق واژه‌ها نیست، بعد از واژه نامه و در بخش پایانی کتاب برای نمایاندن تلفظ دقیق واژه‌ها از الفبای فونتیک بین المللی^{۲۷} استفاده شده است و تمامی واژه‌های مذکور در واژه نامه بنابر همان فهرست، آوانویسی شده‌اند. لازم به ذکر است که این بخش، ضمیمه‌ای است که به چاپ دوم کتاب افزوده شده است. فهرست منابع مورد استفاده، کتاب را به پایان می‌رساند.

کار جدیدتری که در مورد متن ارداویرافنامه صورت گرفته اثری است که فیلیپ زینو (Philippe Gignoux) در سال ۱۹۸۴ با این مشخصات در پاریس منتشر کرد:

Le Livre d'Arda Viraz, Institut français d'iranologie de Teheran, Paris ۱۹۸۴.

دکتر ژاله آموزگار نیز این کتاب را به همراه ترجمه و تحقیق به سال ۱۳۷۲ در تهران منتشر نموده‌اند.^{۲۸}

فهرست مطالب این کتاب به ترتیب چنین است:

سخنی از مترجم، پیشگفتار، مقدمه، نشانه‌های کوتاه نویسی، کتابخانه، دستنویس‌های ارداویرافنامه، ترجمه فارسی، حرف نویسی^{۲۹} و آوانویسی، فهرست واژه‌ها و عبارت‌هایی که زیر نفوذ فارسی به کار رفته‌اند، فهرست نامه‌های خاص، واژه نامه.

کتاب با ایده‌داشتی از دکتر آموزگار شروع می‌شود که طی آن نحوه کار و ویژگی‌های ترجمه را توضیح می‌دهند. در این ترجمه تنها به متن فارسی اکتفا نشده و از متن پهلوی ارداویرافنامه و همچنین از پژوهش و ترجمة انگلیسی فریدون وهمن با این مشخصات:

Arda Wiraz namag, Curzon press, Copenhagen, ۱۹۸۶.

که تاریخ انتشار آن بعد از چاپ این اثر بوده نیز جهت مقابله استفاده شده است. هر چند مترجم بر آن بوده تا در نظرات خاص مؤلف دخالتی نکند ولی در مواردی که نکات تاریخی به نظرش رسیده در زیرنویس‌ها به آن اشاره کرده است. از مهم‌ترین نکاتی که در ترجمه فارسی رعایت شده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱ تعدادی از واژه‌ها که کاربرد بیشتری داشته‌اند به همان شکل پهلوی بیت شده‌اند مانند واژه اهلو (= مقدس).

۲ زیرنویشت‌هایی که به تشخیص مترجم افزوده شده‌اند با نشانه (م) مشخص شده‌اند.

۳ تغییراتی در معنی برخی از کلمات صورت گرفته است.

بعد از سخن مترجم، پیشگفتار کوتاهی از فیلیپ زینو در تأیید و تشکر از ترجمه دکتر آموزگار آمده است.

بخش بعدی، مقدمه کتاب است که در پنج بخش جداگانه تنظیم گشته و به ترتیب عبارتند از:

۱ عنوان کتاب، ۲ اشارت‌های تاریخی در ارداویرافنامه، ۳ مشکلات نگارش ادبی، ۴ منابع مبتنی بر کتبیه‌شناسی، ۵ نتیجه‌گیری کنونی.

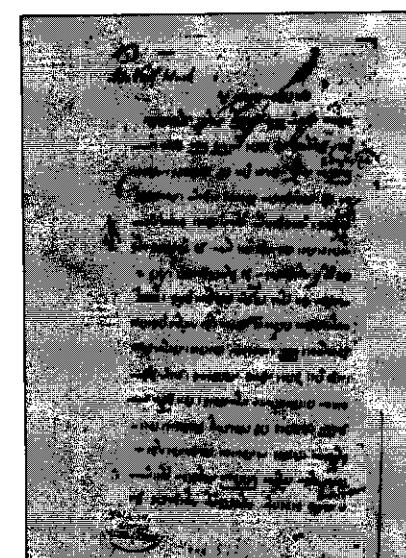
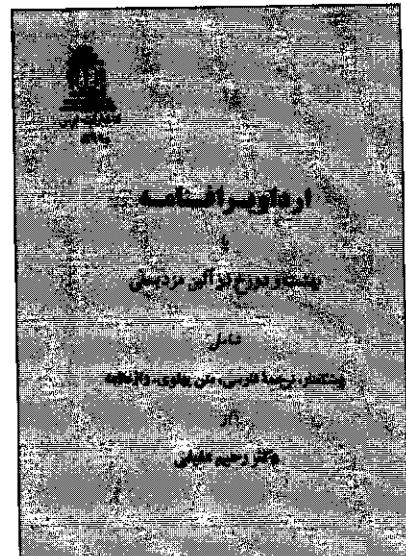
بخش نخست به قرائت‌های مختلف از نام ارداویراف اشاره می‌کند. بخش دوم به اشارات تاریخی در ارداویرافنامه و زمان نگارش آن می‌پردازد. بخش سوم مقدمه به انشاء متن و جملات نامربوط و غلط‌های نحوی اشاره می‌کند. بخش چهارم به مقایسه این اثر با سنگ نوشته‌های «کردیر» می‌پردازد. این سنگ نوشته‌ها، از جهت در برداشتن تاریخ عقاید مربوط به جهان دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.^{۳۰} در این بخش خصوصاً به ویژگی ظاهرآ بیکسان «بن‌مایه سفر به جهان دیگر» توجه شده است و مؤلف سعی کرده روایت‌های «کردیر» و ویراف و همچنین افسانه ویشتاب را که فقط پس از انجام نوعی سفر آن جهانی، آئین جدید را می‌پذیرد به سنتی یگانه وصل کند. آخرین بخش مقدمه نیز، به تحقیقات پیشین اشاره می‌کند و شیوه کار مؤلف را بیان می‌دارد. سپس علامت‌های اختصاری (= نشانه‌های کوتاه نویسی) آمده است و بعد از آن کتابنامه، فهرستی از منابع را معرفی می‌کند. مطلب بعدی فهرست دستنویس‌های ارداویرافنامه است. ترجمة فارسی صفحات بعدی کتاب را در بر گرفته است. و بعد از آن حرف نویسی و آوانویسی متن تنظیم شده است. در صفحه سمت چپ^{۳۱}، حرف نویسی و در صفحه سمت راست^{۳۲} آوانویسی همان صفحه پیشین آمده است. این ترتیب در تمام صفحات مربوط به حرف نویسی و آوانویسی کتاب رعایت شده است. بخش بعدی، فهرست واژه‌ها و عبارت‌هایی را که زیر نفوذ فارسی به کار رفته‌اند به دست می‌دهد^{۳۳} پس از آن، فهرست اسمی خاص به کار رفته در متن آمده است.

واژه نامه، آخرين بخش کتاب است. در واژه‌نامه، ابتدا حرف نویسی هر واژه و بعد از آن آوانویسی و

معادل فارسی واژه آمده و تعداد دفاتری که واژه مورد نظر در متن به کار رفته نیز، ذکر شده است.

مرحوم غلام رضا وشید یاسمی نیز، تحقیقی در زمینه ارداویرافنامه انجام داده است که نخست در مجله

مهر و به سال ۱۳۶۴ و سپس در مجموعه‌ای جداگانه تحت عنوان مقاله‌ها و رساله‌های ایشان به چاپ رسیده





است.^۵ این اثر، تنها شامل ترجمة فارسی ارداویرافنامه است که البته شرح تعدادی از واژه‌های مشکل و نکات مبهم متن را نیز در بر می‌گیرد.
همچنین فریدون و همن واژه‌نامه‌ای جدایانه برای ارداویرافنامه تهیه کرده است که در سال ۱۳۵۵
مجموعه واژه‌نامه‌ای پهلوی بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است.^۶ این واژه نامه دارای ویژگیهای
است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱ هر واژه نخست حرف به حرف نقل می‌شود و سپس آواتویسی آن در برابرش می‌آید و بعد معنای
واژه ثبت می‌شود.

۲ برای هر واژه شماره فصل و بندی که آن واژه در آن آمده ثبت شده است.

۳ صورت‌های مختلف صرفی افعال در زیر آنها ذکر شده است.

۴ برای واژه‌های آرامی (= هزوارش‌ها) نخست حرف نویسی آنها در آرامی و سپس برابر ایرانی آنها
به صورت ملغوظ ذکر شده است.

ادیب السلطنه سمعیع و دکتر محمد معین نیز هر یک به طور جدایانه مطلبی در شرح ارداویراف
نگاشته‌اند که به سال ۱۳۲۵ در یادنامه شادروان بورادو به چاپ رسیده است.^۷ همچنین دکتر محسن
ابوالقاسمی در جلد اول کتاب راهنمای زبان‌های باستانی ایران، فصل اول تا پنجم ارداویرافنامه را به همراه
حروف نویسی، آواتویسی و ترجمه فارسی آورده است.^۸ ترجمه گجراتی ارداویرافنامه چنانکه بیش از این ذکر
شد در کتاب ارداویرافنامه جاماسب آسا آمده است. ترجمه سنسکریت ارداویرافنامه در اثر زیر:

D.: Arda Gvira: Collected

۱۹۲۰. Sanskrit Writings of the Parsis, part V, Bombay,

و پازند آن نیز در مجموعه متون پازند با این مشخصات

Antia, E. K.: Pazand Texts: Bombay, ۱۹۰۹.

آنده است. لازم به ذکر است که فهرست جامعی از کتاب‌ها و مقالات مربوط به ارداویرافنامه در کتابنامه
اثر زینیو که بیش از این بدان اشاره شده آمده است. نگارنده بخشی از آن کتابشناسی را که مهم‌تر به نظر
رسیده و گفتار کنونی را نیز تکمیل کرده و در ذیل آورده است:

O Abrahamian, R., Ardashirap Namak,

YustFrian, Erevan ۱۹۵۸.

O Belardi, W., The Pahlavi Book of the
righteous Viraz, I, chapters I II, Roma ۱۹۷۹.

O Blochet, E., "Quelques notes a propos de
L'Arda Viraf Nama", dans Oriental studies in
honour of C. E. Pavry, PP. ۴۹-۵۵, London ۱۹۳۳.

O Casarteli, L. C., "The Persian Dante", dans
۱۹۱۸. Dastur Hoshang Memorial Volume, pp. ۲۵۸

O Gignoux. ph., "Notes sur la redaction de
Deutscher Orientalistentag), L'Arday Viraz Namag", dans ZDMG,
pp. ۹۹۸ ۱۰۰۴, Wiebaden ۱۹۶۹. supplementa I (XVII).

O Gobrecht, G., "Das Arta Viraz Namak",
dans ZDMG, t. ۱۱۷, pp. ۲۸۲ ۴۹, ۱۹۶۷.

O Maddox, G., The Arda Viraf Nameh or the
revelations of Arda Viraf, Madras, ۱۹۰۴.

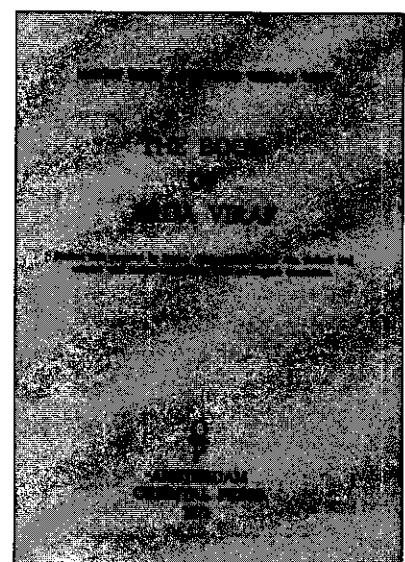
O Modi, J. J., Dante and Viraf and Gardis
and kays Bombay, ۱۸۹۲.

O Mole, M., "Les implications historiques du
۱۴۸, pp. ۲۶ - ۴۴, ۱۹۵۱. prologue du livre d'Arta Viraz", dans RHR, t.

O Muller, Fr., "Zu Artai - Viraf - Namak -
Etymologien", dans Der Ausdruck 'Awesta' - Awestische, pahlavi,
WZKM, t. ۱۰, pp. ۱۷۴ ۱۸۴, ۱۸۶ neopersische und armenische

O Nicholson, R. A., "A persian forerunner of
Dante", dans JBBRAS, t. ۱۹, pp. ۱ ۵, ۱۹۴۳.

O Rustamji, Sorabji, Ardaivirafnamu (Gujrati
۱۸۴۴: ۲d ed, ۱۸۶۸. rendering of the persian translation of original



در انتها لازم است به اردا ویرافنامه منظوم
زدشت بهرام پژو، شاعر زرده‌شی قرن هفتم
هرگز نیز اشاره شود که کمتر مورد تحقیق قرار
گرفته است. این منظومه که از ۱۱۶۲ بیت تشکیل
شده، چنین آغاز می‌شود:

بنام آن خداوند جهاندار

کنم آغاز از دین نفر گفتار

حدیثی گویم اندر راه این دین

زمن بشنو تو این گفتار بهدين

شهنشاه اردشیر از فرّ دادار

گرفت آن پادشاهی را سزاوار

همه نیکی ز عدل پادشاهان

همیشه شاه عادل باد شاهان

ز عدل او بایران و خراسان

شنه بر مردمان عیش و خور آسان

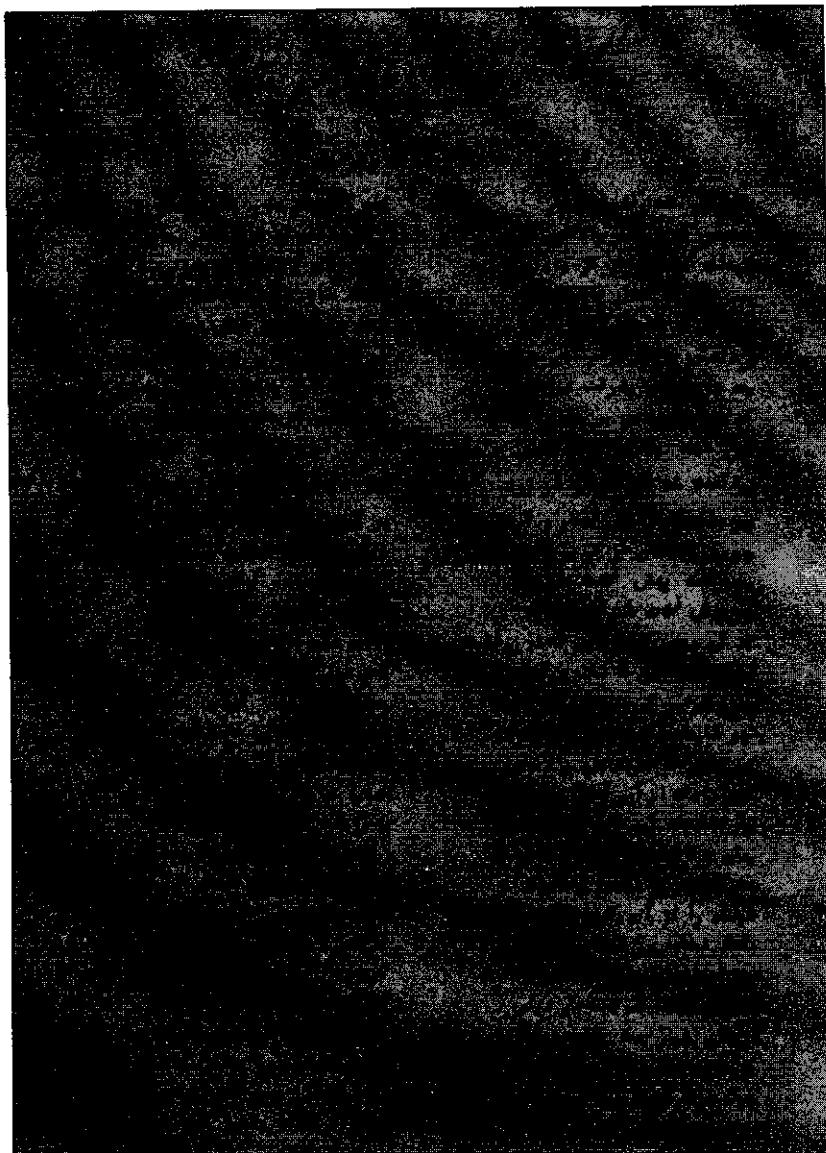
...

فهرست سرفصل‌های این منظومه نیز به قرار

زیر است:

کتاب ارادی ویراف، رفتار ارادی ویراف بر چینودپلی، شرح دادن اردا ویراف کارهای اول صفت بهشتیان، مناجات، کیفیتی‌های دوزخ و دوزخان، آمدن ارادی ویراف از بهشت به گیتی و شرح او، گفتار اندر آوردن سروش و اردیبهشت اردا را به این جهان گفتار انجامیدن قصه ارادی ویراف و سخن چند اندر ختم کتاب گوید.

این منظومه مسلماً از نظر ادبی چندان ارزشمند نیست و تنها اشارات تاریخی و اندیشه‌های کهن مستتر در آن است که می‌تواند راهگشای محققین باشد.



صفحه اول از متن منظوم «ارداویرافنامه»، سروده

«زرتشت بهرام پژو در»

۱ این قرعه کشی با «نیزه انداخن» انجام شده است که نوعی آزمایش دینی است تا انتخاب درست را تائید کند.

از این رو باستی، سه بار نیزه پرتاب می‌شد تا اینکه ثابت شود که ویراف در آن جامعه دینی، به دلیل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بهترین شخص بوده است. چنانکه در بند ۲۱ و ۲۲ فرگرد نخست آمده: «... و پس از آن مزدیستان نیزه آزمایش دینی را آوردند. ۲۲ - نخستین بار برای اندیشه نیک، دومین بار برای گفتار نیک و سومین بار برای کردار نیک، هر سه نیزه به سوی ویراز آمد.

(د. رُینو، فلیپ: اردا ویرافنامه، ترجمه و تحقیق: زاله آموزگار، انتشارات معین انجمن ایران‌شناسی فرانسه تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۳).

۲ منک گشتناسبی، مانع مخدوشی بوده است. گشتناسبی منسوب به گشتناسب. و اشاره بر این دارد که او نیز از این مانع نوشیده است (هندگامی که از زدشت خواست تا جایگاهش را در جهان دیگر ببیند، از این مانع نوشید).

۳ منظور سروش و آذر است.

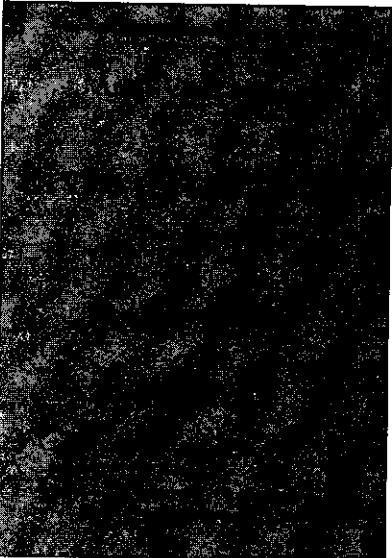
۴ فرگرد، بند ۱: او از قرمود ایندون بنویسند که در آن نخستین شب سروش اهلو و آذر ایزد به پیشوای من آمدند به

من نماز برندند و گفتند: «خوش آمدی تو ای اردا ویراز که ترا هنوز زمان آمدن نبود». ر. ک. همان، صص ۴۸ و ۴۹

۴ به صورت Fryan یا Yosht نیز آمده است.

۵ جهت آگاهی از شیوه آوانویسی (Transcription) ر. ک: ابوالقاسمی، محسن: تاریخ زبان فارسی، انتشارات

سمت تهران، ۱۳۷۳، ۱۸۹، صص ۱۹۰-۱۸۹



Y - Phonetic Characteristics

A - Consonants

۹ - Vowels

۱۰ هزوارش (ideogram) به واژه‌ای اطلاق می‌شود که به آرامی نوشته و به یکی از زبان‌های ایرانی تلفظ می‌شود.

۱۱ جهت آگاهی از چگونگی وارد شدن هزوارش‌ها به زبان‌های ایرانی ر. ک. مشکور، محمد جواد: فرهنگ هزوارش‌های پهلوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۶، صص ط ک (مقدمه)

۱۲ ر. ک.:

میرخرانی، مهشید: پرسی هادخت نسخه، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ من هشت (پیشگفتار)

۱۳ زردشت بهرام پژو از شاعران زرده‌شی قرن هفتم هجری است که به زبان فارسی شعر گفته و منظمه‌هایی چون زرادشت نامه وارد او را فنمه بدو منسوب است. از ارد او را فنمه اثر منظوم دیگر نیز منسوب به دستور مزبان کرمانی به جای مانده که در جلد دوم روایات داراب هرمذ دار به سال ۱۹۲۲ در بعضی چاپ شده است. از ایات این ارد او را فنمه منظوم است:

كتابي خواندم از زند دفتر

دون دستور با من بود همیر

ز ویراف و هم از احوال مینو

ز ازوارش بخواندم قصه او

۱۴ عفیقی، رحیم: ارد او را فنمه با پیشنهاد و دوزخ در این مزدیسنی، انتشارات توسع، تهران، ۱۳۷۲

۱۵ به دلیل ابهام خط پهلوی قرائت‌های مختلفی از این کلمه آمده است. «ویراف»، «ویراز» و «ویراب».

۱۶ زبان‌های ایرانی که برای نوشتن متن‌های زرده‌شی و مانوی به کار رفته‌اند، به دلیل ثنویت دینی دارای نوع واژه‌اند. واژه‌های خاص جهان نیکی و واژه‌های خاص جهان بدی که به واژه‌های اهورانی و اهریمنی موسومند. مثلاً در فارسی میانه زرده‌شی «گفتن» واژه‌ای اهورانی است که برابر اهریمنی آن «درانیدن» است. جهت آگاهی ر. ک.:

بوقاسمی، محسن: زبان فارسی و سرگذشت آن، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۵

۱۷ - Manuscript Written

۱۸ - International Phonetic Alphabet

۱۹ زینیو، فیلیپ: ارد او را فنمه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، انتشارات معین انجمن ایرانشناسی فرانسه

تهران، ۱۳۷۲

۲۰ جهت آگاهی از شیوه حرف نویسی (Transliteration) تاریخ زبان فارسی، صص ۱۹۰-۱۸۹

۲۱ ر. ک.:

Le Ph. Gignoux. 'Etude des Variantes textuelles

des inscriptions de Kirdir, Genese et datation', Museon 86, 1973, pp. 193-216.

۲۲- Verso page

۲۳- recto page

۲۴ منظور واژه‌ها و عبارت‌هایی است که در طی باز نویسی متن در دوره‌های متأخرتر، تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته‌اند. مثلاً به جای «من کرد»، «من کردم» آورده است.

۲۵ ر. ک.:

رشید یاسمن، غلامرضا: مقاله‌ها و رساله‌ها، گردآوری ایرج افشار، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی (موقوفات

دکتر محمود افشار بزدی)، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۶۴-۱۳۷

۲۶ وهمن، فربیون: واژه نامه ارتای ویرازنامگ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، شماره ۲۴۷، تهران، ۱۳۵۵

۲۷ ر. ک.:

سمیعی، دیباچه ویراف نامه، یادنامه استاد پوردادود، تهران، ۱۳۲۵، صص ۱۲۹-۱۲۳

معین، م: ارد او را فنمه، یادنامه استاد پوردادود تهران، ۱۳۲۵، صص ۲۱۳-۲۱۰

۲۸ رک: بوقاسمی، محسن: راهنمای زبان‌های باستانی ایران (جلد ۱)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵ صص